

## بیانات در دیدار مردم در سالروز شهادت امام رضا علیه السلام - 2 / شهریور / 1404

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمین و الصلّاة و السّلام علی سیّدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداة المهديّین المعصومین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

تسلّیت عرض میکنم شهادت ولی نعمت همه‌ی عالم وجود، بخصوص ما ایرانی‌ها، امام رئوف، علی‌بن موسی الرضا ( علیه الصلّاة و السّلام ) را. این جلسه هم لطف آن بزرگوار بود که توفیق داد بتوانیم این جلسه را، این دیدار را، این محفل گرم و پُرشور را تشکیل بدهیم. یک جمله راجع به امام رئوف، حضرت ابی‌الحسن الرضا ( علیه الصلّاة و السّلام ) عرض میکنم، یک جمله هم مربوط به مسائل جاری روز عرض میکنم.

در زندگی علی‌بن موسی الرضا ( علیه السّلام )، حوادث بزرگ، مکرر اتفاق افتاده است که یکی از آنها آمدن آن بزرگوار از مدینه به طوس و به مرو، به خراسان است؛ حوادث گوناگون دیگری هم در زندگی این بزرگوار وجود دارد. آنچه محصول این حادثه‌ی سفر به خراسان است، یک مجموعه‌ای از منافع و فواید برای مکتب اهل بیت است؛ یعنی این سفر اگرچه سفر اجباری بود، اگرچه آن بزرگوار با میل خود حرکت نکردند به سمت خراسان، اما خدای متعال به این سفر برکت داد و حوادثی که اتفاق افتاد - چه در طول سفر، چه بعد از شهادت آن بزرگوار - حوادث بزرگی بود؛ من به دو مورد اشاره میکنم.

یک مورد، انتشار فوق‌العاده‌ی مکتب اهل بیت است. مکتب اهل بیت منزوی بود، مظلوم بود. بعد از شهادت امام حسین ( علیه السّلام )، شیعیان در هر نقطه‌ای از دنیای اسلام آن روز دچار مشکلات فراوان در زندگی بودند؛ مشکلات جسمی، مشکلات معیشتی، مشکلات روحی؛ تدریجاً - در زمان امام باقر اندکی، در زمان امام صادق بیشتر، در زمان حضرت موسی بن جعفر بیشتر - این حالت انزوا کم شد، لکن در دوران علی‌بن موسی الرضا ( علیه الصلّاة و السّلام ) مکتب تشیع در دنیای اسلام منتشر شد. آنچه انسان از حوادث تاریخی احساس میکند، این است که شیعه و پیروان مکتب اهل بیت، با این سفر و با این حادثه آن چنان روحیه‌ای گرفتند که این روحیه توانست شیعه را حفظ بکند. امروز تقریباً ۱۲۰۰ سال از آن موقع میگذرد؛ روزبه‌روز پیروان مکتب اهل بیت بیشتر شدند - یا شیعیان یا غیر شیعه‌ای که به معارف اهل بیت اعتقاد دارد، که ما زیاد داریم از این قبیل افرادی که رسماً شیعه هم نیستند اما به معارف اهل بیت و به اصول فکری اهل بیت ( علیهم السّلام ) اعتقاد دارند - این از برکات سفر علی‌بن موسی الرضا است. این یک نکته؛ یعنی یک فایده و یک اثر از آثار حرکت بابرکت امام رضا ( علیه السّلام ) از مدینه به خراسان این بود. حضور آن بزرگوار، حوادثی که اتفاق افتاد، مذاکراتی که انجام گرفت، مباحثاتی که انجام گرفت، رفتاری که این بزرگوار با مأمون کرد، با مردم کرد، با مسئولین آن روز کشور کرد، اینها همه هر کدام تأثیری گذاشت که شیعه را در چشمها بزرگ کرد، مکتب اهل بیت را بالا برد.

دومین اثری که مایلیم روی آن تکیه کنم، این است که مسئله‌ی عاشورا را، مسئله‌ی امام حسین را علی‌بن موسی الرضا در سطح دنیای اسلام منتشر کرد؛ یعنی خود حادثه‌ی عاشورا در بین مردم پیرو مکتب اهل بیت موجب شده است که شیعه به عنوان پرچم‌دار مبارزه‌ی با ظلم در طول تاریخ شناخته بشود. حادثه‌ی کربلا، حادثه‌ای بود که باید در دل‌های مردم جا می‌گرفت؛ آن کسی که توانست این حرکت را با یک جهشی شروع کند، علی‌بن موسی الرضا ( علیه الصلّاة و السّلام ) بود. این روایت معروف ابن شیبیب - ریّان بن شیبیب - که [حضرت] فرمود: ان گنت باکیاً لشیعیّ فابک

لِلْحُسَيْنِ ( عليه السلام ) ( ۲ ) - که این، اول روایت است و روایت مفصل است - خیلی مطلب مهمی است ؛ «بر هر چه خواستی اشک بریزی و گریه بکنی، بر حسین گریه کن». این اهمیّت مسئله‌ی کربلا را نشان داد. بعد هم وعده‌های بزرگ برای کسانی که به زیارت امام حسین میروند یا عذارای برای امام حسین میکنند یا اشک میریزند: در قیامت با ما محشور میشوید ؛ در کنار ما هستید و مانند اینها ؛ اینها در این روایت هست.

خب وقتی که مسئله‌ی کربلا مطرح شد، حادثه‌ی شهادت حسین بن علی ( سلام الله علیهما ) مطرح شد، به طور طبیعی این سؤال پیش می‌آید که چرا این بزرگوار به شهادت رسید؟ این سؤال، کلید بسیاری از معارف اجتماعی اسلام است: «چرا به شهادت رسید؟». این چه حادثه‌ای بود که موجب شد حدود پنجاه سال بعد از رحلت پیغمبر یک چنین مصیبت بزرگی ایجاد بشود و شهادت فرزند پیغمبر به وقوع بپیوندد ؛ حادثه چه بوده؟ این سؤال یک سؤال اساسی است. میتواند [نسبت] دلها را با حوادث طول تاریخ بشر و وظایف مسلمانها آشکار کند.

امام حسین با ظلم مبارزه میکرد، امام حسین بی‌عدالتی را برنمیتابید، امام حسین غلبه‌ی فسّاق و فجّار بر جامعه‌ی اسلامی را قبول نمیکرد، زیر بار نمیرفت ؛ اینها مسائل بسیار مهمی است که وقتی مسئله‌ی کربلا مطرح شد، این مسائل هم به طور طبیعی مطرح خواهد شد. این راجع به حضرت علی بن موسی الرضا ( سلام الله علیهم ) که شرح حادثه‌ی کربلا و عاشورا به برکت بیان حضرت رضا ( سلام الله علیه ) اتفاق افتاد و این بسیار مسئله‌ی مهمی است.

در باب مسائل کنونی کشور، خب درگیری‌هایی اتفاق افتاد و حوادث مهمی بر ملت ایران تحمیل شد، جنگی تحمیل شد ؛ ملت هم با کمال قوّت، با کمال قدرت ایستادگی کرد و دنیا را به خودش متوجّه کرد. با این حوادث، ایران در چشم مردم دنیا یک عظمت ویژه‌ای، یک عزّت جدیدی پیدا کرد. این که حالا مربوط به حادثه است.

یک سؤالی در اینجا مطرح است که دشمنی آمریکا با ایران به خاطر چیست؟ این سؤال، سؤال آسانی به نظر میرسد لکن سؤال پیچیده‌ای است ؛ جواب این سؤال، جواب مهمی است، جواب پیچیده‌ای است. این دشمنی مال امروز هم نیست ؛ ۴۵ سال است که دولتهای آمریکا - از انواع و اقسام افراد و اشخاص و احزاب گوناگون آمریکا که سر کار آمده‌اند - همین دشمنی را، همین تحریم را، همین تهدید را نسبت به جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران داشته‌اند. علت چیست؟ در گذشته این علت را کتمان میکردند، تحت عناوین گوناگونی به عنوان تروریسم، به عنوان حقوق بشر، به عنوان مسئله‌ی زن، به عنوان دموکراسی ؛ تحت این عناوین. یا اگر هم میگفتند، به شکل آبرومدانه میگفتند می‌خواهیم رفتار ایران عوض بشود ؛ گذشته‌ها این جور حرف میزدند. این آقایی که امروز سر کار است در آمریکا، ( ۳ ) مسئله را لو داد، آن هدف حقیقی را روشن کرد ؛ گفت مقابله‌ی ما با ایران، با ملت ایران برای این است که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد! ما ملت ایران باید این را درست بفهمیم ؛ این مسئله‌ی مهمی است. البته تعبیر او ممکن است یک مقداری با این [چیزی] که من گفتم متفاوت باشد ؛ مثلاً «ایران حرف گوش کن باشد» ؛ به این تعبیر گفته باشد. یعنی یک دولتی، یک قدرتی پیدا شده در دنیا که نسبت به ایران، ایران با این تاریخ، ایران با این عزّت، ایران با این ملت، این توقع را دارد که این کشور، این تاریخ، این ملت بزرگ با همه‌ی افتخاراتش، گوش به فرمان او باشد! علت [دشمنی] این است ؛ دشمنی‌ها به خاطر این است.

این کسانی که میگویند «آقا! شعار ندهید علیه آمریکا، عصبانی میشوند، با شما دشمنی میکنند»، اینها ظاهرینند. این کسانی که تحلیل میکنند که «چرا با آمریکا مذاکره‌ی مستقیم نمیکنید، مسائلتان را حل نمیکنید»، به نظر من ظاهرینند. باطن قضیه این نیست ؛ این مسئله حل‌نشده‌ی است. او میخواهد که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد. ملت ایران از چنین اهانت بزرگی بشدّت رنجیده میشود و در مقابل آن کسانی و آن کسی که چنین توقع غلطی از ملت ایران دارد، با همه‌ی قدرت می‌ایستد. جنگ اخیر هم به خاطر همین بود. رژیم صهیون را پیش کردند، تحریک

کردند، رضایت نشان دادند، کمک کردند برای اینکه به ایران حمله کند و به خیال خودشان کار ایران را تمام کند، کار جمهوری اسلامی را تمام کند! اینها تصوّر نداشتند که ایران در مقابل حرکت آنها آن چنان مُشتی به آنها خواهد زد که آنها را پشیمان خواهد کرد؛ این تصوّر را نداشتند.

آنها خیال میکردند با این حمله کار ایران تمام شد. ببینید؛ روز بیست و سوم خرداد به ایران حمله شد، یک روز بعد – یعنی روز بیست و چهارم خرداد – یک عده از عوامل آمریکا در یک پایتخت اروپایی نشستند و شروع کردند بحث کردن بر روی جایگزین جمهوری اسلامی! شنیدم این را در تلویزیون هم دو سه روز پیش گفتند، [منتها] این را همان وقت به ما اطلاع دادند. یعنی این قدر خاطر جمع بودند به اینکه این حمله اساس جمهوری اسلامی را در کشور متزلزل خواهد کرد؛ خاطر جمع بودند که مردم را در مقابل جمهوری اسلامی نگه میدارد. این قدر مطمئن بودند که یک روز بعد از شروع حمله نشستند و بحث کردند که حالا بعد از جمهوری اسلامی چه کسی، کدام حکومتی و چگونه حکومتی بر ایران حکومت کند! پادشاه هم معین کردند؛ برای ایران، شاه هم معین کردند که فلان کس هم پادشاه ایران باشد! اینها این جور درباره‌ی ایران خیال میکردند. تصوّر میکردند با این حمله بین نظام و مردم فاصله خواهد افتاد، نظام ضعیف خواهد شد و خواهند توانست بر مقصود سخیف و مقصود خباثت‌آمیز خودشان مسلط بشوند و توجّه کنند و این کار را انجام بدهند؛ منتها «ملت ایران» – این را بارها گفته‌ایم، و من اصرار دارم تکرار کنم – ملت ایران، با ایستادگی خود در کنار نیروهای مسلح، در کنار دولت، در کنار نظام، مشت محکمی به دهان همه‌ی اینها زد.

در بین این جمع ابلهی که نشستند جایگزین برای جمهوری اسلامی در ایران پیدا کنند یک ایرانی هم بود؛ خاک بر سر آن ایرانی‌ای که به [ضرر] کشور خودش، به نفع یهود، به نفع صهیونیسم، به نفع آمریکا می‌نشیند فعالیت میکند! البته اینها قبل از آن وقتی بود که نیروهای مسلح ما قدرت خودشان را به طور کامل نشان بدهند؛ روزهای اوّل و دوّم بود. بعد نیروهای مسلح بحمدالله توانستند کارهای بزرگی را انجام بدهند که جا دارد همه‌ی ملت ایران از نیروهای مسلح تشکر کنند و تشکر میکنیم از اینها و بعد از این هم ان شاءالله روزه‌روز بر قوّت و توانایی ملت ایران در نیروهای مسلح افزوده خواهد شد.

خب یک نکته‌ی دیگر در اینجا وجود دارد که من آن را هم عرض کنم. آن نتیجه‌ای که در این حوادث، دشمنان به آن نتیجه رسیدند، این است که ایران را با جنگ، با حمله‌ی نظامی نمیتوان به زانو درآورد؛ جمهوری اسلامی را با این ابزار و وسایل خشن نمیشود عقب راند. خب ۴۵ سال است که دارند این کارها را میکنند؛ روزه‌روز جمهوری اسلامی قوی‌تر شده. دیدند راهش این است که در داخل اختلاف ایجاد کنند، در داخل نفاق ایجاد کنند؛ البته عواملی هم در داخل دارند؛ عوامل صهیونیسم، عوامل آمریکا، هستند گوشه و کنار در کشور؛ به وسیله‌ی اینها و یا به وسیله‌ی کسانی که غفلت دارند از آنچه میگویند و از آنچه مینویسند، بین مردم اختلاف ایجاد کنند و چندصدایی در کشور به وجود بیاورند. امروز بحمدالله کشور متحد است. امروز مردم متحدند. اختلاف سلیقه هست، اختلاف سلیقه‌ی سیاسی، اجتماعی وجود دارد لکن در دفاع از نظام، دفاع از کشور، ایستادگی در مقابل دشمن، مردم امروز متحدند. این اتحاد به ضرر آنها است، این اتحاد مانع تجاوز و تعرّض آنها است؛ این را میخواهند از بین ببرند. مراقب این باشید.

اهل بیان، اهل قلم، آنهایی که حرف میزنند، آنهایی که مینویسند، آنهایی که تحقیق میکنند، آنهایی که توییت میزنند، بفهمند چه کار میکنند. این اتحاد مقدّس، این اجتماع عظیم، این سپر پولادین از دل‌های مردم و اراده‌های مردم نباید خدشه‌دار بشود. امروز بحمدالله اتحاد وجود دارد. این اتحاد را مردم حفظ کنند. مسئولان کشور بخصوص مسئولان سه قوه که بحمدالله امروز آنها هم در کمال اتحاد و همدلی دارند با هم کار میکنند، این را حفظ کنند. خدمتگزاران کشور را مردم حمایت کنند؛ رئیس‌جمهور را حمایت کنند. رئیس‌جمهور، پُرکار و پُر تلاش و پیگیر است؛

عناصر این جور که پُرکار باشند، پُر تلاش باشند، پیگیر باشند، اینها را باید قدرشناسی کرد. اتحاد بین ملت و دولت، بین آحاد مسئولین گوناگون نظام، بین نیروهای مسلح و مردم، بین آحاد مردم، چیزی است که بایستی با همه‌ی وجود حفظ بشود؛ این توصیه‌ی قطعی من است.

من از علائم و قرائنی این جور احساس میکنم که امروز بیشترین تلاش دشمن برای این است که این هم‌صدایی را، این یک‌صدایی را، این همدلی را، این همکاری را خدشه‌دار بکنند؛ امروز این کار را دشمن دارد با شیوه‌های مختلف میکند؛ مردم توجّه داشته باشند. البته بعضی ممکن است در مسائل گوناگون نظرات مختلفی داشته باشند؛ هیچ اشکالی ندارد، [اما] اهل فکر توجّه کنند که ارائه‌ی یک فکر نو که مکمل موجودی ملت ایران باشد، فرق دارد با تخریب کردن، با اهانت کردن؛ مبانی جمهوری اسلامی را تخریب نکنند. همین مبانی است که این ملت را این جور رشد داده، این کشور را این جور بالا آورده، این قدرت را به این ملت بخشیده؛ همین مبانی است. [اگر] این مبانی را می‌خواهند تکمیل کنند، اضافه کنند، اصلاح کنند، اشکالی ندارد، لکن تخریب نباید کرد؛ تخریب، خواست دشمن است. و این همکاری قوای سه‌گانه، همکاری مجلس و دولت و قوه‌ی قضائیه و نیروهای مسلح و دیگران، باید ادامه پیدا کند.

امروز دشمن ما، آن دشمنی که در مقابل ما قرار دارد، یعنی رژیم صهیونی، منفورترین رژیم دنیا است، منفورترین حکومت دنیا است. ملت‌ها هم از حکومت صهیونی منزجرند، از او متنفرند؛ دولت‌ها هم این حکومت را، حکومت صهیونی را محکوم میکنند. یعنی شما ببینید رؤسای دولتهای غربی که همیشه حامی رژیم صهیونی بودند، امروز آنها را محکوم میکنند؛ البته محکومیت زبانی است؛ این کم است، محکومیت زبانی فایده‌ای ندارد. جنایتی که امروز رؤسای حکومت صهیونی دارند انجام میدهند، به گمان من در تاریخ بی‌سابقه است. کودکان را با گرسنگی و تشنگی بکشند؛ کودکان را با تشنگی و گرسنگی به قتل برسانند؛ کودکانی را که برای گرفتن غذا به یک جایی آمدند، به رگبار ببندند؛ این در دنیا تا آنجایی که بنده از تاریخ اطلاع دارم، چیز بی‌سابقه‌ای است؛ این [جنایات] ملت‌ها را منزجر کرده؛ باید در مقابل این ایستاد. ایستادگی هم به زبان نیست که دولت‌ها بگویند که ما مخالفیم، محکوم میکنیم – حتی دولت فرانسه، دولت انگلیس و دیگران هم محکوم کردند – این فایده‌ای ندارد؛ بایستی راه کمک رساندن به رژیم صهیونیستی بسته بشود؛ راه کمک به آنها بسته بشود. این کاری که امروز مردم شجاع یمن انجام میدهند، کار درست است؛ کار درست آن است. در مقابل جنایتی که سران رژیم صهیونی انجام میدهند، هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه راه‌های کمک به آنها بکلی از همه‌طرف مسدود بشود.

ما البته برای هر کاری که برای جمهوری اسلامی ممکن باشد، هر کاری که امکان داشته باشد، آمادگی کامل داریم و امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به حرکت ملت ایران و حرکت حق‌خواهان عالم برکت بدهد و ریشه‌ی این سرطان عمیق مَهْلک را از این مهلکه بکند و ان‌شاءالله ملت‌های مسلمان را بیدار کند و با یکدیگر متحد کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

۱) در ابتدای این مراسم، دو نفر از مدّاحان به ذکر مدح و مرثیه‌ی حضرت امام رضا (علیه السلام) پرداختند. ۲) امالی صدوق، مجلس بیست‌وهفتم، ص ۱۳۰ (۳) دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا)